

بررسی علل اجتناب ناپذیری جنگ ایران و عراق*

نویسنده: محمد درودیان**

چکیده

بررسی روند تحولات جنگ ایران و عراق مستلزم پاسخگویی به سؤالات و ابهاماتی است که وجود دارد. در یک نگاه کلان و کلی سه سؤال اساسی وجود دارد که در شرائط مقتضی باید به آن پاسخ داد. علل آغاز جنگ چه بود؟ چه عواملی منجر به تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر شد؟ علل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران چه بود؟ در این مقاله پاسخ به سؤال اول وجه همت نویسنده قرار گرفته است.

مقاله در ابتدا در خصوص ضرورت بحث و ابعاد مربوط به شروع یک جنگ و تبدیل یک تهدید به جنگ، روند شایعات و برخورد ایران و عراق و با آمریکا و غرب مورد بررسی قرار گرفته است. سپس نظرات برخی از محققین و کارشناسان در مورد علل شروع جنگ را بررسی کرده و در پایان سه راه‌حلی که برای برخورد با عراق فراروی ایران قرار داشته را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

نظر به ماهیت انقلاب اسلامی و تأثیرات عمیق آن بر منافع آمریکا و ارتجاع منطقه نوعی اجماع نظر نسبت به برخورد با انقلاب داشت. عراق از فضای برخواسسته از خصومت نسبت به ایران انقلابی و بر پایه توانمندی نظامی سناریوی حمله به ایران را طرح‌ریزی و برای اجرای آن تمهیدات لازم از جمله موافقت امریکائیان را بدست

* نظریه اجتناب ناپذیری جنگ در تئوری مارکسیستی حاوی این مفهوم است که جوامع بشری بسوی نابودی ناسیونالیسم پیش می‌روند و مسئله جنگ تنها به عنوان یک مسئله سیاست خارجی به شمار نمی‌آید، بلکه در چارچوب کلی، مسئله مبارزه طبقاتی و به عنوان مرحله بین‌المللی آن تلقی میشود.

** مؤلف، محقق و نویسنده تاریخ جنگ میباشد وی همچنین مؤلف کتب متعددی درباره جنگ تحمیلی است که کتابهای نبرد در شرق بصره از خونین شهر تا خرمشهر و فاو تا شلمچه ایشان به عنوان کتاب سال در موضوع دفاع مقدس برگزیده شده‌اند.

آورد. ایران با توجه به ناتوانی نظامی و بی‌ثباتی سیاسی در وضعیتی قرار نداشت که در برابر عراق به «بازدارندگی» دست یابد و یا با «یارگیری سیاسی» و یا «ارائه امتیاز» تهاجم عراق را منتفی و یا به تأخیر اندازد.



مقدمه

بازنگری علل وقوع جنگ و بررسی امکان یا عدم امکان وقوع آن، از جمله موضوعاتی است که از سوی محققان؛ نخبگان و تصمیم‌گیرندگان و یانسلی که صحنه‌های جنگ را خلق کرده و یا وارث پیامدهای آن است، با انگیزه‌های مختلف و در سطوح متفاوت، پیگیری می‌شود. گاه مشاهده شده است که پس از پایان جنگ و فروکش کردن التهابات و هیجانات، برخاسته از شرائط جنگ، نتایج و پیامدهای خسارت‌آمیز آن در زمینه‌های مادی و معنوی، مناقشات و مجادلات سیاسی - اجتماعی جدی و عمیقی را در سطوح گوناگون جامعه و در میان تصمیم‌گیرندگان* برانگیخته است. افزون بر این، عدم حل قطعی جنگ و تداوم «شرائط نه جنگ نه صلح»** و احتمال از سرگیری دوباره آن و یا پدید آمدن تهدیدات تازه و قرارگرفتن جامعه و تصمیم‌گیرندگان در وضعیت احتمالی رویارویی با یک درگیری نظامی محدود و یا یک جنگ تمام عیار، از محرکه‌های بازنگری در تجارب جنگ پیشین است. تاکنون، به لحاظ نظری، بحث و بررسی‌های بسیار زیادی درباره ساوکارها و مراحل «تبدیل یک تهدید به جنگ و یاپیشگیری و جلوگیری از وقوع آن انجام گرفته است*** ولی بدلیل ابهامات و نقاط کور و ناشناخته‌ای که وجود دارد و مهمتر از آن، پیدایش مناقشات نظامی در مناطق مختلف جهان، بنظر میرسد بیش از گذشته باید در این زمینه تامل و مطالعه کرد**** البته

* اخیراً وزیر دفاع وقت آمریکا مک‌نامارا در مورد جنگ ویتنام اظهار داشته است: «پرهیز از جنگ امکان‌پذیر بود و اگر از وقوع آن نتوانستند جلوگیری کنند دستکم می‌توانستند سالها زودتر آنرا پایان دهند». روزنامه جمهوری اسلامی ایران - ۶۷/۴/۳.

** آقای هاشمی در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی در همین زمینه می‌گوید: مسئله صلح با عراق هنوز هم تمام نشده و ما هنوز اسیر داریم، خسارات ما را نپرداخته‌اند بخشی از اراضی ما هنوز آلوده به مین و مواد منفجره است
۷۶/۴/۲۸.

*** در مباحث مربوط به روابط بین‌الملل در حوزه علوم سیاسی موضوع «جنگ و صلح» با بررسی علل وقوع جنگها و راه‌حلهای پیشگیری مورد بحث قرار گرفته است.

**** متأسفانه به رغم اهمیت این موضوع، در ادبیات نظامی موجود در ایران، بحث عمیق و در خور توجهی انجام

آگاهی و شناخت بدست آمده از اینگونه بررسیها، هر چند در شناخت و تئوریزه کردن علل وقوع جنگ نقش بسزایی دارد ولی همانگونه که مشاهده میشود، انجام این مباحث به تنهایی علل پیشگیری از وقوع جنگ نمی‌باشد.

البته در این میان، تعیین و اندازه‌گیری مقدار تأثیر یک عامل در شروع جنگ، کار بسیار دشواری است. زیرا تعامل عوامل و شرایط بریکدیگر در شروع جنگ در یک زمان خاصی بنحو پیچیده‌ای عمل می‌کند و به همین دلیل، بصورت قاطع نمی‌توان برعامل مشخصی تأکید کرد.

روشن است که وقوع جنگ پیامد و برآیند رویدادها و تعامل سلسه عوامل مختلفی است که زمینه‌های ایجاد درگیری نظامی را فراهم ساخته است و به همین دلیل، بنظر می‌رسد که وقوع هر حادثه و یارخداد نظامی چه محدود و چه گسترده از منطق خاصی برخوردار است که گاهی به صورت اجتناب‌ناپذیر و در زمانی خاص واقع میشود، بدون اینکه بتوان اقدام موثر و تعیین کننده‌ای در جلوگیری از پدید آمدن آن انجام داد. چنانکه گاهی با فعال شدن کانونهای تهدید، بسیاری از عوامل از جمله برداشتهای ذهنی و واکنشهای روحی و روانی نسبت به تهدیدات و پیامدهای آن در تصمیم‌گیرندگان، بیش از آنکه به اجتناب از برخورد نظامی منجر شود و در یک روند تصاعدی و با برداشتن موانع موجود، به سوی تسهیل وقوع جنگ حرکت میکنند. همچنین گاهی مشاهده شده است مجموعه فعالیتهایی که از سوی طرفین، به منظور بازدارندگی صورت میگیرد در یک روند تدریجی به وقوع جنگ منجر میشود. به سخن دیگر تلاش برای جلوگیری از جنگ، در عمل، زمینه وقوع جنگ را فراهم میسازد.

البته در این میان، تعیین و اندازه‌گیری مقدار تأثیر یک عامل در شروع جنگ، کار بسیار

نگرفته است. پیش از انقلاب با وجود بیش از ده‌ها هزار مستشار آمریکائی در ارتش ایران، بدلیل اینکه آمریکائیا تهدیدات را برای ایران مشخص و دیکته میکردند. هیچگاه منابع لازم تأمین نشد و اشخاص صاحب‌نظر که نسبت به تهدیدات دلمشغولی خاصی داشته باشند در حوزه تفکرات نظامی ظهور نکردند.

دشواری است. زیرا تعامل عوامل و شرایط بریکدیگر در شروع جنگ در یک زمان خاصی بنحو پیچیده‌ای عمل می‌کند و به همین دلیل، بصورت قاطع نمی‌توان بر عامل مشخصی تأکید کرد. گاهی مشاهده شده است که همان عواملی که برای وقوع جنگ مورد تأکید قرار می‌گیرد در زمانهای دیگری منجر به جنگ نشده است. بر اساس این ملاحظه، می‌توان به این مسئله اشاره کرد که زمان وقوع یک جنگ برآیند گردهم‌آیی مجموعه عوامل و شرایطی است که به گونه‌ای استثنایی و تا اندازه‌ای غیرقابل تکرار کنار هم قرار گرفته و از یک ارگانیزم پویا و زنده برخوردار است. به همین دلیل، در صورتی که این امکان بوجود آید که بتوان از وقوع جنگ هنگامی که تمامی عوامل و شرایط برای وقوع آن آماده است، جلوگیری کرد. به یقین در مراحل بعد، بدلیل تغییر شرایط و فضای حاکم بر مناسبات طرفین درگیر، به گونه‌ای قاطعانه‌تر می‌توان با یافتن راه‌حلهای تازه برای رفع اختلاف و خصومتها، از وقوع جنگ جلوگیری کرد. این مقاله نیز به نوبه خود ضمن تشریح و توصیف سیر تاریخی شکل‌گیری جنگ عراق علیه ایران، «مسئله اجتناب‌ناپذیری جنگ» را با توجه به دیدگاههای عراق و محققان و تحلیلگران غربی و نیز راه‌حلهای احتمالی که برای جلوگیری از پیدایش جنگ فراروی ایران قرار داشته است، مورد بررسی قرار می‌دهد.

فرض اصلی در این مقاله این است که نظام حاکم بر ایران، برآمده از یک انقلاب دینی و مردمی بوده و هست. بدون شک ماهیت انقلاب اسلامی و عوارض و نتایج آن برای منافع آمریکا و غرب در داخل ایران و در سطح منطقه، مهمترین دلیل و زمینه تشدید دشمنی میان ایران و آمریکا و شکل‌گیری زمینه‌های تهاجم عراق به ایران بود. این روش در برخورد با دیگر* انقلابها با هدف تعدیل، تضعیف و یا براندازی، پیش از این نیز مرسوم بوده است، بدین معنا می‌توان گفت که از شیوه رایجی علیه ایران استفاده شده است.**

*آیت‌ا... خامنه‌ای رئیس‌جمهور وقت ایران در سال ۶۱ طی مصاحبه‌ای در این زمینه اظهار می‌دارد: «از جمله عواملی که برای به زانو درآوردن انقلابها در دنیا بکار میرود حمله داخلی و خارجی است. انقلابها در مقابل حملات خارجی شکننده‌اند به نحوی که یا اصل انقلاب از بین می‌رود، یا از انقلابی بودن دست برمی‌دارند و با پناه بردن به قدرتها تسلیم می‌شوند.»

(مجموعه مصاحبه‌های سال ۶۱-۶۲- انتشارات سروش سال ۹۶- ص ۱۱۸).

** آقای هاشمی در مراسم افتتاحیه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع در این زمینه می‌گوید: شروع جنگ تحقیقاً برای نابودی انقلاب بود و از آن رو که شرقی‌ها و غربی‌ها از این انقلاب راضی نبودند، غرب که بیشترین منافع را در ایران

یک مرور اجمالی نسبت به موضعگیری و اقدامات کشورهای منطقه، شخصیت‌های رسمی و تحلیل رسانه‌های خبری غرب، در حد فاصل یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در شرایطی که هیچگونه اقدام عملی از سوی رهبران و مسئولین انقلاب آغاز نشده بود، نشان دهنده این مفهوم است که سقوط رژیم شاه با توجه به ساختار و ماهیت آن بر اثر یک انقلاب دینی و مردمی، موجب نگرانی عمیق و ناخشنودی کلیه محافل و کانونهای سرمایه‌داری و صهیونیستی و ارتجاعی بوده است.

برابر گزارش روزنامه الوطن چاپ کویت، عراق و عربستان تنها یک روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گزینش تدابیر امنیتی برای مقابله با انقلاب اسلامی را در دستور جلسه یک کنفرانس عالی کشورهای خلیج فارس قرار دادند.^(۱) میران رئیس حزب سوسیالیست فرانسه پیش‌بینی کرد انقلابهایی از نوع انقلاب ایران در کشورهای همسایه روی خواهد داد^(۲). بگین، نخست‌وزیر وقت اسرائیل اعلام کرد بنظر می‌رسد موجی از اسلام تعصب‌آمیز در خاورمیانه شیوع پیدا کند.^(۳) نیویورک تایمز نوشت: روابط ایران و آمریکا تیره خواهد شد زیرا رهبران انقلاب ایران ضد آمریکایی هستند^(۴).

دیلی نیوز نوشت: سقوط بختیار ضربه فاجعه‌آمیزی برای نفوذ آمریکا در خاورمیانه بود^(۵) و همینطور القبس چاپ کویت نوشت که آمریکا از کشورهای خلیج فارس خواسته است یک فرماندهی متحد ایجاد کنند^(۶). نخست‌وزیر وقت اسرائیل نیز یادآوری کرد آمریکا و اسرائیل به منظور حفظ ثبات و امنیت منطقه خاورمیانه باید یک همکاری نظامی بوجود آورند^(۷). خبرگزاری تاس طی تفسیری نوشت آمریکا برای پرکردن خلاء سقوط شاه بدنبال

داشت، انقلاب را مستقیماً علیه منافع خود میدانست و باید در ایران شرایطی بوجود آید که دیگران ناامید شوند.

(کتاب بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع جلد اول سال ۶۸ ص ۴۶).

۱- خلاصه روز شمار جنگ، جلد اول: تأسیس نظام جدید- مرکز مطالعات و تحقیقاتی جنگ سال ۷۵-ص ۱۱۲ اخبار

روز ۵۷/۱۱/۲۳ ۲- همان ۳- همان

۴- همان - اخبار روز ۵۷/۱۱/۲۴

۵- همان - ص ۱۱۲ - اخبار روز ۷۵/۱۱/۲۳ ۶- همان

۷- همان - اخبار - روز ۵۷/۱۱/۲۵

اتحاد مصر، اسرائیل و عربستان است^(۱).

در واقع کانون و هسته مرکزی تحولات در داخل ایران و منطقه، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بود. به همین دلیل در میان عوامل مختلفی که برای توضیح علل وقوع جنگ ایران و عراق از سوی محققان و تحلیلگران برشمرده میشود، هیچ عاملی به اندازه وقوع انقلاب اسلامی در ایران و بازتاب و نتایج داخلی و منطقه‌ای آن نمی‌تواند علل وقوع جنگ را تبیین و آشکار سازد.

در واقع کانون و هسته مرکزی تحولات در داخل ایران و منطقه، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بود. به همین دلیل در میان عوامل مختلفی که برای توضیح علل وقوع جنگ ایران و عراق از سوی محققان و تحلیلگران برشمرده میشود، هیچ عاملی به اندازه وقوع انقلاب اسلامی* در ایران و بازتاب و نتایج داخلی و منطقه‌ای آن نمی‌تواند علل وقوع جنگ را تبیین و آشکار سازد. نتایج حاصله از پیروزی انقلاب اسلامی در وقوع جنگ در دو زمینه قابل تشخیص و مشاهده است.

۱) پیروزی انقلاب اسلامی به لحاظ اهداف استقلال طلبانه، منافع آمریکارا در ایران و منطقه مورد تعرض قرار داد و مخدوش کرد** . همین مسئله سرانجام به خصومت جدی و

۱- همان - ص ۱۱۳۳ - اخبار روز ۵۷/۱۱/۲۹

* پژوهشگران و تحلیلگران غربی با وجود اطلاع از این موضوع و اشراف به آن، تهاجم به انقلاب را که حاصل ظهور اراده یک ملت برای تعیین سرنوشت خود می‌باشد، نادیده گرفته و سایر عوامل از جمله اختلافات مرزی و مسائلی از این قبیل را مورد تأکید قرار میدهند. آقای هاشمی در کنفرانس بین‌المللی «تجاوز و دفاع» با توجه به مسائل یادشده گفت: یافتن پاسخ این سؤال، این است که بغض به اسلام و به کشوری که منافع قدرتهای بزرگ را تهدید می‌کرد چشم‌ها را کور کرده بود. این ننگ دنیا و تاریخ است که به هنگام تعرض به یک انقلاب اظهار خوشحالی کند و ... (کتاب «بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع» جلد اول سال ۶۸ سخنرانی اختتامیه ص ۴۸).

** کنت آر. تیمرمن در کتاب «سوداگری مرگ» می‌نویسد: با انقلاب اسلامی تمامی معادلات استراتژیکی منطقه در هم ریخت. شاه متحد اصلی و عمده آمریکا در خلیج فارس یک شبه از صحنه کنارزده شد و در افق سیاسی منطقه هم کسی که بتواند چون او منافع آمریکا در منطقه را تضمین نماید وجود نداشت. ترس واقعی از «موج اسلامی» در غرب همه جا

عمیق امریکا علیه ایران منجر شد. با پیدایش این وضعیت آمریکائیا تلاش نسبتاً وسیع و همه‌جانبه‌ای را به منظور جابجایی در ساختار قدرت در ایران و براندازی نظام جمهوری اسلامی، سازماندهی و اجراء کردند که هیچیک نتیجه قطعی و مطلوبی را در پی نداشت. (۲) پیدایش خلاء قدرت در منطقه* با سقوط شاه و شکست استراتژی منطقه‌ای آمریکا، یک فرصت استراتژیک و تاریخی در اختیار عراق قرار داد تا در چارچوب شرائط جدید منطقه، ضمن همسوئی** با آمریکا، از آن بهره‌برداری نماید.

باتوجه به این دو ملاحظه کلی، تأثیر شرائط بین‌المللی و منطقه و نقش آن در تسهیل حمله عراق به ایران تا اندازه‌ای آشکار میشود. برپایه منطق حاکم بر روابط و مناسبات بین‌المللی در نظام دو قطبی، انقلاب با مشخصه دینی، بمنزله ستیزه‌جویی با بنیادهای فکری نظام حاکم بر غرب و شرق ارزیابی می‌شد به همین دلیل نه تنها مورد حمایت نبود بلکه در معرض تهاجم و تعرض قرار داشت. در واقع، خاستگاه دینی و مردمی انقلاب اسلامی سبب شده بود، تنها مردم مستضعف و برخی از روشنفکران متعهد و مسلمان از انقلاب اسلامی ایران و اهداف و شعارهای آن پشتیبانی کنند.

برپایه همین وضعیت، کشورهای منطقه بدلیل عدم برخورداری از حمایت مردمی و مشروعیت لازم برای حکومت، عملاً با بدبینی حوادث و رخدادهای مربوط به انقلاب اسلامی را پیگیری میکردند و عمیقاً از تثبیت و گسترش انقلاب اسلامی نگران و مضطرب بودند یکی از پژوهشگران غربی در این زمینه می‌نویسد:

را فراگرفت. این موج می‌توانست ثبات منطقه و مخازن نفتی غرب را در معرض تهدید جدی قرار دهد. (ترجمه احمدتدین - موسسه خدمات فرهنگی رسا- ۱۳۷۳ ص ۱۶۱).

* روزنامه کریستین سیانس مانیتور در این زمینه می‌نویسد: «فروپاشی قدرت ایران که نقش کلیدی در توازن و تعادل قوا در تمام منطقه داشت واقیعی مهم است. اکنون در جایی که زمانی شاه با قدرت ایستاده بود خلاء و سوسه‌کننده‌ای خمیازه می‌کشد. در حالی که عراق از مدتها پیش برای چنین فرصتی لحظه شماری میکرد».

** پیدایش وضعیت جدید در منطقه و نگرانیهای سیاسی - امنیتی آمریکا نسبت به آن و بموازات آن درک عراق از این وضعیت و تلاش برای بهره‌بری از شرایط منجر به همسوئی منافع آمریکا و عراق برای مقابله با انقلاب اسلامی با تکیه بر اهرم نظامی و براه انداختن جنگ شد.

«عراق امیدوار بود انقلاب ایران را در نطفه خفه کند و نابود سازد که این برای کشورهای منطقه مانند عربستان سعودی و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس هدف چندان ناخوشایندی نبود»^(۱).

فضای خصومت‌آمیز برخاسته از نگرش نظام بین‌المللی و حاکمان کشورهای منطقه به انقلاب اسلامی، بذر هرگونه خصومت و بدبینی نسبت به ایران را، برای پرورش و تحقق آن آماده میکرد و عراق در چارچوب این شرایط و با توجه به انزوای* ایران شعارهائی را مبنی بر تخلیه جزایر سه‌گانه ایرانی در پشتیبانی از اعراب سرداد و بانفی هرگونه راه‌حل مسالمت‌آمیز، خواستار لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر شد.

«ما میانجیگری میان عراق و ایران را نمی‌پذیریم و خواستار لغو پیمان الجزایر و بازگرفتن حق حاکمیت عراق بر شط‌العرب و عقب‌نشینی ایران از جزایر سه‌گانه عربی خلیج که از زمان حکومت شاه توسط ایران در اشغال این کشور بوده است، هستیم»^(۲)

مناسبات سیاسی - نظامی ایران و عراق با تأثیرپذیری از تحولات برخاسته از پیروزی انقلاب اسلامی تحت شرایط خاصی قرار گرفت** بدین معنا که ایران عمیقاً درگیر مناقشات سیاسی و بحرانهای امنیتی از سوی گروهکهای ضد انقلاب که با حمایت‌های خارجی انجام میگرفت، قرا داشت. ضمن اینکه توان نظامی این کشور بدلیل ضعفهای اساسی در ساختار و آموزش ارتش در رژیم گذشته و تحولات و دگرگونیهای متأثر از ضرورت‌های شرایط انقلابی

۱- جیمزبیل - عقاب و شیر - ترجمه مهوش غلامی - انتشارات شهر آب - جلد دوم - بهار ۷۱ ص ۴۸۵.

* فارین افروز در این زمینه می‌نویسد: محاسبه عراق این بود که ایران از لحاظ بین‌المللی منزوی شده و نیروی نظامی ایران تضعیف شده است ... خبرگزاری پارس - ش ۲۹۴ - ۵۹/۱۰/۱۷ - رادیو آمریکا ۵۹/۱۰/۱۶

۲- نعیم حداد - رئیس اسبق مجلس ملی عراق - السیاسه - مورخ ۱۹۸۰/۵/۲۷ - ۱۳۵۹/۳/۶

** آقای هاشمی در اختتامیه کنفرانس بین‌المللی «تجاوز و دفاع» در مورد شرایط ایران می‌گوید: انقلابی که تازه پیروز شده است و مسئله تصفیه ارتش، پلیس، سازمان‌های اطلاعاتی و همچنین مسئله گروهکهای فراوان چپ و راست و درگیر با جنگی مسلحانه در داخل کشور، چگونه می‌تواند عراق را تحریک کند؟ ماترورها و انفجارهای روزانه و کودتا داشتیم. کودتای نوژه چند هفته قبل از آغاز جنگ اتفاق افتاد و در کل هنوز این امر که ایران این همه بر خود مسلط باشد که به این زودی عراق را تحریک کند از نظر آشنایان به تاریخ و سیاست محال است».

(کتاب «بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع» جلد اول ص ۴۶).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در درون ارتش دستخوش تغییر شده بود و عملاً فرصت بازیابی و سازماندهی مجدد را نیافته بود. در واقع هویت‌یابی و سازماندهی مجدد ارتش نیاز به زمان و کادرهای ورزیده و صاحب‌نظر داشت. که مناقشات سیاسی و بحرانهای امنیتی مانع از انجام آن بود.^(۱) در همین روند آمریکائیه نیز حفظ سیستم مستشاری در ارتش را به عنوان «دفتر دفاعی یا دفتر امنیتی»^(۲) به موازات برقراری ارتباط و سازماندهی عناصر ضد انقلاب در ارتش با هدف طرح‌ریزی برای کودتا و براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران، دنبال میکردند.

عراق برخلاف ایران، به عنوان یک نظام متمرکز سیاسی از وضعیت نسبتاً با ثباتی برخوردار بود، بگونه‌ای که اتخاذ هرگونه تصمیم‌گیری و اجرای آن در سیستم سیاسی - نظامی این کشور به سهولت امکان پذیر می‌نمود، ضمن اینکه نیروی نظامی عراق نیز در پی امضاء قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر رو به افزایش نهاده بود چنانکه صدام در مصاحبه مطبوعاتی می‌گوید:

عراقیها با پیدایش وضعیت جدید، بر پایه اطلاعات و درکی که از اوضاع داخلی ایران داشتند به موازات بهبود شرائط بین‌المللی و منطقه بسود این کشور، دستیابی به پیروزی سهل و سریع را امکان‌پذیر ارزیابی میکردند.

«اکنون ما نیروی نظامی برای بازپس گرفتن سه جزیره عربی اشغال شده توسط ایران را فراهم کرده‌ایم و بر خلاف تصور عده‌ای، ما از هنگام اشغال این جزایر در ماه مارس ۱۹۷۵ (اسفند ۱۳۵۳ ه. ش) نه سکوت کرده‌ایم و نه دچار رخوت و سستی شده‌ایم، بلکه از آن زمان و پس از درگیری در جنگی فرسایشی با شاه، توان و قدرت نظامی و اقتصادی خود را در مدت هفت سال افزایش داده‌ایم»^(۳).

عراقیها با پیدایش وضعیت جدید، بر پایه اطلاعات و درکی که از اوضاع داخلی ایران

۱- گذری بر دو سال جنگ - دفتر سیاسی سپاه - سال ۶۰ - ص ۵۹ - ۶۰.

۲- افشاگری شماره ۳ دانشجویان مسلمان پیرو خط امام - سال ۶۰ ص ۷۳.

۳- ۱۹۸۰/۷/۲ (۱۳۵۹/۴/۲۹ ه. ش) روزنامه کویتی السیاسه - ۱۹۸۰/۷/۲۲.

داشتند به موازات بهبود شرائط بین‌المللی و منطقه بسوداین کشور، دستیابی به پیروزی سهل و سریع را امکان‌پذیر ارزیابی میکردند. عراقیها در این روند با نزدیکی به غرب، برقراری رابطه با آمریکا را نیز دنبال کردند چنانکه بعدها صدام در همین زمینه گفت:

«پیش از آنکه عراق درگیر جنگ با ایران شود من بطور خیلی جدی با فرماندهان ارتش پیرامون برقراری رابطه دوستانه با آمریکا صحبت کردم»^(۱).

ملاقات صدام و برژینسکی در تیرماه سال ۵۹ در مرز دو کشور اردن و عراق بخشی از تلاشهای مشترک آمریکا و عراق، با هدف «هماهنگ کردن» فعالیتهای دو کشور یاد شده، علیه ایران بود^(۲). این دیدار بمنزله چراغ سبز آمریکابه عراق در مورد جنگ با ایران تلقی شد.^(۳) برژینسکی در عمل این تلقی را در صدام بوجود آورد که آمریکا با تهاجم عراق به ایران موافق و هماهنگ است^(۴). بعدها مجله فیگارو پس از سفر طارق عزیز به فرانسه طی گزارشی نوشت در ملاقات برژینسکی و صدام قول داده شد که از صدام حسین کاملاً حمایت شود و این امر را تفهیم نمود که آمریکا به آرزوی عراق در مورد شط‌العرب (اروند رود) و احتمالاً با برقراری یک جمهوری عربی (تجزیه خوزستان) در این منطقه مخالفتی نخواهد کرد^(۵).

بنابراین عراقیها برای حمله به ایران نه تنها هیچگونه تردیدی نداشتند بلکه شتاب و عجله نیز داشتند، به همین دلیل، از فروردین ۵۹ با تشدید مخاصمات آمریکا علیه ایران، عراقیها ضمن اعلام آمادگی به آمریکا، توانائی نظامی خود را با تجاوزات مرزی به نمایش گذاردند.

بنابراین عراقیها برای حمله به ایران نه تنها هیچگونه تردیدی نداشتند بلکه شتاب و عجله نیز داشتند، به همین دلیل، از فروردین ۵۹ با تشدید مخاصمات آمریکا علیه ایران، عراقیها

۱- مجله تایم - چاپ آمریکا - گذری بر دو سال جنگ - دفتر سیاسی سپاه - سال ۶۰ ص ۱۷۸ - ۱۷۹.

۲- کنت آر. تیمرمن - «سوداگری مرگ» ترجمه احمدتدین - موسسه خدمات فرهنگی رسا - ۱۳۷۳ ص ۱۶۵.

۳- همان ص ۱۶۴. ۴- همان ص ۱۴۴.

۵- روزنامه انقلاب اسلامی ۵۹/۹/۱۷.

ضمن اعلام آمادگی به امریکا، توانائی نظامی خود را با تجاوزات مرزی به نمایش گذاردند.^(۱) بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران با بررسی شرائط ایران و عراق، دستیابی عراق به پیروزی را امکان پذیر ارزیابی میکردند. اشیگل در این زمینه با تأکید بر توانائی نظامی عراق می نویسد:

«دلائل بسیاری وجود دارد که جمهوری اسلامی ایران، در یک جنگ مسلحانه با عراق شکست خواهد خورد، زیرا عراق دارای یک ارتش مجهز و تعلیم یافته است»^(۲).
کسینجر وزیر خارجه اسبق آمریکا نیز با ارزیابی نسبت به موقعیت سیاسی - نظامی ایران و عراق اعلام کرد:

«جنگ حداکثر ظرف ۱۰ روز با پیروزی عراق پایان خواهد یافت»^(۳).

روند حوادث و رخدادهای ۶ ماهه اول سال ۵۹ نشان دهنده شکل گیری زمینه های تهاجم عراق علیه ایران می باشد. پیش از این، در نیمه دوم سال ۵۷، دو حادثه برجسته روند تحولات داخلی و مناسبات ایران و آمریکا را دستخوش تغییر و تحول قرار داد.
تداوم سیاست خصومت آمیز آمریکا علیه ایران و نگرانی * رهبران انقلاب نسبت به آن با توجه به تجربه کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ علیه دولت ملی مصدق، سبب گردید در ۱۳ آبان سال ۵۸ و در اعتراض به سیاستهای آمریکای نسبت به حمایت از شاه و ادامه خصومت علیه انقلاب اسلامی، دانشجویان پیرو خط امام طی یک اقدام انقلابی، سفارتخانه آمریکا را،

۱- نگاه کنید به کتاب از «خونین شهر تا خرمشهر» - مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ - ۱۳۷۳. ص ۲۰.

۲- بررسی مطبوعاتی جهان - وزارت ارشاد اسلامی - اشیگل ۲۱ آوریل ۱۹۸۰

۳- روزنامه السفیر - ۸۰/۸/۲۹ - ۵۹/۶/۷

* امام راحل سه روز قبل از تصرف لانه جاسوسی با توجه به توطئه های آمریکا فرمودند: دشمنان ما در هر فرصت خصوصاً در این روزها از هیچ توطئه ای دست بردار نیستند و با هر وسیله ممکن آرامش را از ملت عزیز سلب می کنند. (صحیفه نور، پیام امام بمناسبت روز دانش آموز - جلد ۱۰ ص ۹۷). بلافاصله در تاریخ ۵۸/۸/۱۴، یک روز پس از تصرف لانه، امام (ره) فرمودند: امروز خیانتها زیر زمینی است که توطئه های زیرزمینی در همین سفارتخانه ها که هست دارد درست میشود که مهمش و عمده اش مال شیطان بزرگ است که آمریکا باشد و نمیشود بنشینید و آنها توطئه شان را بکنند، یک وقت ما بفهمیم که از بین رفت یک مملکتی ... (صحیفه نور جلد ۱۰ ص ۱۴۱)

بعنوان مرکز و ستاد اقدامات براندازی علیه انقلاب، تصرف نمایند. گری سیک مشاور امنیتی کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا می‌گوید دولت آمریکا با دولت انقلاب تماس گرفت و وضعیت را در مورد پذیرش شاه تشریح کرد. «دولت ایران این پیام را دریافت داشت ولی همانگونه که می‌دانید انقلابی در جریان بود و من فکر می‌کنم تمایل چندانی هم به باور کردن این توضیح نبود آنها فکر می‌کردند آمریکا دارد دروغ می‌گوید»^(۱). مطابق این توضیح در واقع فضای انقلابی حاکم بر ایران که مشخصه آن مواضع ضد آمریکائی و متهم ساختن آمریکا به عنوان امپریالیسم بود، مانع از پذیرش ادعای آمریکا شد. این برداشت بنظر می‌رسد کاملاً طبیعی بود، زیرا عملکرد آمریکا نسبت به ایران کاملاً خصومت‌آمیز بود. در هر صورت این حادثه و تهدیدات آمریکا برای مداخله نظامی مناسبات دو کشور رادر کمندگروگانها گرفتار کرد.

در بهمن سال ۵۸ و در روند تحولات سیاسی داخل کشور، سرانجام بنی‌صدر به عنوان رئیس‌جمهور با آراء مردم انتخاب شد. این حادثه برآیند مناقشات سیاسی داخل کشور برای استقرار اولین رئیس‌جمهور قانونی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و سامان‌دهی ساختار قدرت بود. ذهنیت و برداشتهای متفاوت در مورد تفکر و برنامه‌های بنی‌صدر همراه با جذب حمایت بخشی از جریان‌ات، نیروها و کانونهای متعلق به انقلاب و مهمتر از همه شیوه تبلیغاتی بنی‌صدر وضعیتی را فراهم ساخت که سرانجام بنی‌صدر به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. آمریکائیه با توجه به استقرار ساختار جدید قدرت امیدوار بودند مقدمات آزادی گروگانهای آمریکائی در ایران فراهم شود ماهیت تفکر و

تلاشهای بنی‌صدر برای بهره‌برداری از موقعیت جدید به منظور پایان دادن به شرائط انقلابی در ایران و حذف نیروهای انقلابی و خط امام، سبب گردید مناقشات سیاسی در داخل کشور وارد مرحله جدیدی شود که حل و فصل آن به مدت یکسال و نیم (تا نیمه اول سال ۶۰) به طول انجامید که با هزینه‌های سنگین همراه بود.

با فرارسیدن سال ۵۹ و ناکامی آمریکائیه نسبت به آزادی گروگانها از یکسو و از سوی دیگر فرارسیدن زمان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، سیاستهای آمریکاعلیه ایران تشدید و تدریجاً صورت خشونت‌آمیز گرفت. در فروردین سال ۵۹، آمریکا با اعلام تحریم اقتصادی به قطع رابطه با ایران اقدام کرد تنها یک روز قبل از این حادثه در

۱- مصاحبه با بیژن خواجه پورخویی - مجله گفتگو - تابستان ۷۶ ش ۱۶ ص ۷۲.

تاریخ ۱۸ فروردین، صدام اعلام کرد «عراق آماده است با زور اختلافات خود را با ایران حل کند.^(۱) این اظهارات بمنزله اعلام آمادگی و هماهنگی عراق با آمریکا، ارزیابی شد در همین شرایط عراقیها تجاوزات مرزی را بگونه‌ای تشدید کردند که بسیاری از کارشناسان نظامی این وقایع را بمنزله آغاز جنگ، ارزیابی کردند.

در تاریخ پنجم اردیبهشت سال ۵۹، آمریکائیه‌ها بمنظور آزادسازی گروگانها با حمله به طبس به عملیات نظامی مبادرت ورزیدند* که با شکست مواجه شد. برابر برخی گزارشات آمریکائیه‌ها طرحهای دیگری را آماده کردند لیکن بدلیل ایجاد پراکندگی در محل نگهداری گروگانها از انجام آن منصرف شدند.^(۲) عراقیها از این اقدام چنین برداشت کردند که آمریکا بار دیگر به اقدام نظامی به مراتب بزرگتری علیه ایران دست خواهد زد.^(۳)

پس از این واقعه اظهارات وزیر امور خارجه آمریکا و برخی از مقامات رسمی این کشور تماماً به تشدید برخورد سیاسی و اقدامات نظامی مستقیم دلالت میکرد. برژینسکی مشاور امنیتی رئیس جمهور وقت آمریکا می‌گوید:

«باید عدم اعتماد به نفس ایران را غنیمت شمرده، ارتباطهای آمریکا را با کلیه گروهکها و رهبران سیاسی این کشور بخصوص با کسانی که توانائی دست زدن به اقدام نظامی علیه رژیم خمینی را دارند تقویت کرد^(۴)»

روزنامه نیویورک تایمز چاپ آمریکا که بیشتر مواضع وزارتخارجه این کشور را بیان میکند در مورد طرحهای آمریکا پس از عملیات طبس می‌نویسد:

«دولت آمریکا پس از شکست عملیات طبس، امکان اجرای سه طرح نظامی بسیار

۱- «از خونین شهر تا خرمشهر» - مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ - خرداد سال ۷۳ ص ۲۵

* با توجه به فاصله طبس با تهران و ابزار و وسایلی که آمریکائیه‌ها در اختیار داشتند مانند موتور و غیره در مورد هدف این عملیات باید بررسی مجدد انجام گیرد.

۲- مجله Janes مارس ۹۷- مقاله ماموریت باورنکردنی- ترجمه مهندس محمدمهدی لطفی هروی- مدیریت اطلاع رسانی اداره مخابرات و الکترونیک ستاد مشترک سپاه.

۳- خبرگزاری پارس. نشریه ش ۲۹۴ ۵۹/۱۰/۱۷ رادیو آمریکا ۵۹/۱۰/۱۶ بقل از مجله فارین آفرز.

۴- روزنامه السفیر ۸۰/۴/۲۲ ۵۹/۲/۲).

مهم را بررسی میکند طرحهای مزبور عبارتند از پیاده کردن نیروی نظامی در شهرهایی که محل نگهداری گروگانهای آمریکاست، مین گذاری در بنادر صدور نفت یا بمباران پالایشگاههای ایران. سپس نوشته شده که عده ای معتقدند چشم انداز جنگ با کشور نیرومند - عراق - شاید ایران را وادار سازد که در سیاست خود تجدید نظر کند^(۱).

در تیرماه ۱۳۵۹، طرح کودتای نوژه از سوی عناصر ضدانقلابی ارتش با هدف براندازی نظام جمهوری اسلامی به اجرا گذاشته شد. برابر گزارش عناصر کودتاچی، آمریکائیا با بررسی دو طرح کودتا و جنگ اجرای کودتا را در تقدم یکم قراردادند و امیدوار بودند در صورت موفقیت - کودتا - اقدام به جنگ منتفی شود. با این ملاحظه کلی کودتا انجام گرفت لیکن با شکست همراه شد.

در تیرماه ۱۳۵۹، طرح کودتای نوژه از سوی عناصر ضدانقلابی ارتش با هدف براندازی نظام جمهوری اسلامی به اجرا گذاشته شد. برابر گزارش عناصر کودتاچی، آمریکائیا با بررسی دو طرح کودتا و جنگ اجرای کودتا را در تقدم یکم قراردادند و امیدوار بودند در صورت موفقیت - کودتا - اقدام به جنگ منتفی شود. با این ملاحظه کلی کودتا انجام گرفت لیکن با شکست همراه شد.*

به موازات فشارهای سیاسی - نظامی - اقتصادی از خارج، مناقشات سیاسی در داخل کشور نیز حول محور بنی صدر و با حمایت سایر عناصر ضد انقلاب مانند چپهای آمریکائی و منافقین بگونه ای قابل ملاحظه تشدید شد و در تاریخ ۱۷ شهریور سال ۵۹، با سخنرانی بنی صدر در میدان شهدا به اوج خود رسید و برابر برخی گزارشات قرار بود منافقین برخی از مکانها از جمله حزب جمهوری و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و صدا و سیما را مورد حمله قرار دهند. بدین ترتیب با شکست کودتای نوژه، شمارش معکوس برای شروع تهاجم

۱- آوریل ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) بنقل از روزنامه السفير ۸۰/۴/۳۰ (۵۹/۲/۱۰).

*برابر گزارش ستاد خنثی سازی کودتا، تا پایان سال ۵۹، بمدت شش ماه پس از آغاز جنگ، حداقل ۶ اقدام برای کودتا از سوی ستاد خنثی شده است.

عراق آغاز شد و سرانجام در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، عراق تهاجم سراسری را به ایران آغاز کرد.

بر پایه توصیف و تجزیه و تحلیلی که ارائه شد پیش از بررسی راه‌حلهائی که برای ممانعت از وقوع جنگ فراروی ایران قرار داشت نظر عراقیها و تحلیل ارائه شده از سوی برخی تحلیلگران غربی ارائه می‌شود.

عراقیها طی تحلیلی که در نهمین کنگره حزب بعث درباره جنگ ارائه و منتشر ساختند این سؤال را طرح می‌کنند که «آیا امکان داشت از شعله‌ور شدن جنگ خودداری کرد»^(۱) سپس در پاسخ تأکید می‌کنند: «جواب این است که با کمال جدیت بگوئیم، خیر به هیچ وجه»^(۲)، در این گزارش آمده است (ما نمی‌توانستیم عواملی را که باعث شده بود، رژیم (امام) خمینی را به سوی جنگ سوق بدهد، تغییر دهیم یا روی آنها تأثیر داشته باشیم)^(۳). برخی از محققین و تحلیلگران نیز در این زمینه اظهار نظر کرده‌اند که قابل ملاحظه می‌باشد. شهرام چوبین معتقد است دلیل اینکه وقوع جنگ محتمل و حتی غیر قابل اجتناب شد صرف جابجائی قدرت در ایران نبود بلکه بی‌توجهی و غفلت حکومت انقلابی نسبت به موازنه نسبی قوا میان دو کشور همسایه، در این میان نقش قابل توجهی داشت.^(۴) در واقع نویسنده بر این باور است که تغییر موازنه قوا بر اثر پیروزی انقلاب اسلامی و بی‌توجهی ایران نسبت به این تغییر، وقوع جنگ را اجتناب‌ناپذیر ساخت. به گمان نویسنده بدلیل تغییر موازنه، ایران تنها با ارائه امتیاز قادر به جلوگیری از وقوع جنگ بود. لیکن بی‌توجهی ایران نسبت به انجام این مسئله وقوع جنگ را اجتناب‌ناپذیر کرد. بر این تحلیل در واقع تغییر موازنه قوا علل وقوع جنگ و اجتناب‌ناپذیری آن بوده است.

کردن بر خلاف نظر چوبین بر این باور است که «وقوع جنگ تمام‌عیار بین دو کشور اجتناب‌پذیر»^(۵) وی با مقایسه درگیریهای ایران و عراق در سالهای قبل که به مراتب

۱- رادیو بغداد - ۶۱/۱۲/۱۱ - خبرگزاری پاریس - این گزارشات را بعدها تحت عنوان یک جزوه مستقل جمع‌آوری و منتشر ساخت . ۲- همان ۳- همان.

۴- کتاب «جنگ ایران و عراق: آثار و مفاهیم». ترجمه خلاصه کتاب گروه تحقیق خ.ج.ا. دوشنبه ۶۸/۶/۲۰

۵- «درسهائی از جنگ درون» - جلد دوم - جنگ ایران و عراق. ترجمه حسین یکتا. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

شدیدتر از درگیریهای دو کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بود. می‌نویسد: «با همه اینها وقوع یک جنگ همه جانبه غیر قابل اجتناب نبود.»^(۱) نویسنده در این جا اصل وقوع جنگ و امکان‌پذیری آنرا مورد بحث قرار نداده است بلکه تنها بر اجتناب‌پذیری از جنگ همه جانبه، تاکید کرده است. تحلیل کردزمن در اینجا بیشتر متأثر از نظر عراقیها است که در گزارش نهمین کنگره حزب بعث مورد تأکید قرار گرفته است. برابر این گزارش عراقیها معتقدند تصمیم به «شعله‌ور نمودن یک جنگ همه جانبه» از سوی ایران گرفته شد، حال آنکه اگر ایران به سخنرانی صدام در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ توجه میکرد، عراق به «محدود نمودن»^(۲) زدو خورد های نظامی در حد جوابگوئی به تجاوزات ددمنشانه از طرف ایرانیان»^(۳) تمایل داشت و «استرداد حق تاریخی عراق در شط العرب» (اروندرو)»^(۴) را پیگیری می‌کرد. در این توضیح، روشن نیست که عراقیها چگونه با تهاجم سراسری هوایی، زمینی، دریائی به ایران تنها بدنبال جنگ محدود بوده‌اند و ایران دامنه جنگ را به یک جنگ همه جانبه گسترش داده‌است؟

رضوانی همانند کردزمن بر این باور است که جاه‌طلبی‌های دو کشور پیش از این جنگ، هرگز به یک جنگ «تمام عیار» منجر نشده بود چه رسد به جنگی مشابه جنگ کنونی^(۵). وی تاکید میکند «خواه انقلابی در ایران صورت میگرفت خواه نه، مبارزه میان ایران و عراق علیرغم آرامش کوتاه مدت پس از امضاء قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر ادامه می‌یافت»^(۶). رضوانی همچنین اشاره میکند، «حتی بروز انقلاب در یک شب روابط را تیره نکرد زیرا بازرگان با صدام حسین بخوبی کنار آمد، اما پس از آنکه انقلابیون مکتبی تر قدرت را در دست گرفتند، رقابتهای دیرینه قدرت یا کینه جوئی تازه‌ای از سر گرفته شد»^(۷). سرانجام نویسنده بر این مسئله تأکید می‌کند که با توجه به کلیه ملاحظات، جنگ در وهله اول غیر قابل اجتناب نبوده است.^(۸)

سپاه . ۱- همان

۲- رادیوی بغداد - ۶۱/۱۲/۱۲- گزارش نهمین کنگره حزب بعث عراق - این گزارش بعدها از سوی خبرگزاری پارس

جمع‌آوری و منتشر شد . ۳- همان ۴- همان

۵- آر.ک. رضوانی. جنگ ایران و عراق، تضادهای بنیادین. میدل ایست اینسایت. چاپ آمریکا ۱۹۸۶ به نقل از گزیده مطبوعات جهان، روابط عمومی فرماندهی کل سپاه نیمه دوم فروردین ۶۴ ص ۲۷.

۶- همان ۷- همان ۸- همان

بررسی راه‌حلهائی که فراروی ایران قرار داشت تا اندازه‌ای می‌تواند علل اجتناب‌پذیری یا اجتناب‌ناپذیری جنگ را توضیح دهد. برپایه فرض اصلی این مقاله نقش و تاثیر پیروزی انقلاب اسلامی در بروز و تشدید خصومت میان ایران و آمریکا و بهره‌برداری عراق از این وضعیت و نتایج ناشی از تغییر موازنه قوا در منطقه با پیدایش خلاء قدرت، اساساً سه راه کلی در برابر ایران قرار داشت که به آن اشاره میشود.

۱- بازدارندگی نظامی

بررسی وضعیت نیروهای نظامی کلاسیک و سنتی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نشان دهنده این واقعیت است که بر پایه توانمندی و کارآمدی این نیروها ایران قادر به اعمال بازدارندگی در برابر عراق نبود. به سخن دیگر اگر مفهوم بازدارندگی نظامی بر این پایه قرار دارد که با نمایش قدرت و آمادگی برای بکار بردن آن بتوان اراده طرف مقابل را تحت تاثیر قرار داد و از نظر روانی از تجاوز او جلوگیری نمود^(۱)، بدست آوردن این نتایج برای جمهوری اسلامی ایران در شرائط و فضای پس از انقلاب اسلامی امکان‌پذیر نبود. مشکلات درون ساختاری، وجود جریانهای ضد انقلابی در درون ارتش که سرانجام کودتای نوژه را تنها چند هفته قبل از آغاز جنگ سازماندهی و اجراء کردند و مهمتر از همه هویت‌یابی جدید ارتش و انتقال آن از ارتش طاغوتی به ارتش اسلامی از جمله

دریافت عراق و سایر ناظران و تحلیلگران از عناصر شکل‌دهنده قدرت در ارتش پس از انقلاب نیز نه تنها نقش بازدارنده نداشت بلکه یکی از عوامل موثر در تصمیم‌گیری عراق برای حمله به ایران، وضعیت حاکم بر ارتش بود.

مسائلی بود که عمیقاً ارتش را درگیر کرده بود. دریافت عراق و سایر ناظران و تحلیلگران از عناصر شکل‌دهنده قدرت در ارتش پس از انقلاب نیز نه تنها نقش بازدارنده نداشت بلکه

۱- جان ام. کالینز- «استراتژی بزرگ» (اصول و رویه‌ها) دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی- سال ۷۳- ترجمه کورش‌یابندر

یکی از عوامل موثر در تصمیم‌گیری عراق برای حمله به ایران، وضعیت حاکم بر ارتش بود. عراقیها برای ارزیابی آمادگی نظامی ایران و توانمندی سیستم کنترل، هدایت و فرماندهی* و قدرت جابجائی و نقل و انتقال در ارتش، در حد فاصل فروردین سال ۵۹، به مدت ۶ ماه تحرکات مرزی نسبتاً گسترده‌ای را به نمایش گذاشتند. به یقین هرگونه «مقابله» یا «مانور نظامی» مناسب دست‌کم می‌توانست در تصمیم‌گیری عراق برای تجاوز به این کشور تردید یا تأخیر ایجاد کند. برابر اسناد موجود ارتش عراق، لشکر ۱۰ زرهی عراق در آستانه تهاجم عراق به ایران در یک ارزیابی نسبت به گسترش لشکر ۹۲ زرهی اهواز در جنوب تأکید کرده است هیچ واحد پشتیبانی کننده‌ای در منطقه الاهواز - شط العرب (اهواز - اروند رود)، وجود ندارد.^(۱)

مقام معظم رهبری به عنوان نماینده وقت امام در شورای عالی دفاع، پس از تشدید بحران سیاسی در کشور در سال ۶۰ با توجه به عملکرد بنی‌صدر به عنوان فرمانده کل قوا و عدم اقدام و تلاش جدی برای آمادگی دفاعی در ارتش در نماز جمعه تهران فرمودند:

«نزدیک به هفت ماه قبل از جنگ، شما فرمانده کل قوا بودید. چرا نیروهای نظامی ما هنگام شروع جنگ نتوانستند مقاومت کنند؟ حضرت امام شمارا در اول اسفند ۱۳۵۸ به فرماندهی کل قوا برگزیدند. در اول مهر ماه ۱۳۵۹، یعنی هفت ماه تمام بعد از فرماندهی کل قوائی شما، جنگ شروع شد. در این هفت ماه شما چه کردید؟ چرا ارتش را مرمت نکردید چرا نظامیان را آموزش ندادید. آیا اینها را چه کسی می‌بایست انجام میداد؟ چرا وقتی جنگ شروع شد و خرابی کار شما در هفت ماه گذشته آشکار می‌شود، تقصیرها را به گردن این و آن می‌اندازید؟ وقتی از ایشان می‌پرسند چرا ارتش را سروسامان نداده‌اید، می‌گویند چون کسان دیگری در ارتش دخالت کرده‌اند. منظور ایشان دادگاههای انقلاب در ارتش است که چرا افراد متهم به کودتا را دستگیر کرده بودند. آقای بنی‌صدر توقع داشتند در ارتش علیه جمهوری اسلامی کودتا شود و

* کردزمن در کتاب خود می‌نویسد «ایران و عراق فاقد ساختار فرماندهی عالی کارآمد بودند و دلیل این مسئله در ایران تغییر دائمی فرماندهان عالی از سوی شاه، بخاطر ترس از کودتا بود.» وی در ادامه می‌نویسد با «سقوط شاه حتی این رکن شکننده فرماندهی و کنترل ارتش ایران نیز فرو پاشید» (آبراهام واگنر - آنتونی کردزمن - «درسهائی از جنگ مدرن» - جلد دوم جنگ ایران و عراق - ترجمه حسین یکتا - مرکز مطالعاتی و تحقیقات جنگ ص ۷۳.

۱- «خرمشهر در اسناد ارتش عراق» - اصغر کاظمی - دفتر ادبیات و هنر مقاومت ۱۳۷۵ - ص ۲۴.

کودتاچیان آزاد گردند و دستگیر نشوند.^(۱)

در هر صورت تغییر هویت و کارکرد ارتش از ارتش طاغوتی با ماموریت «تامین امنیت داخلی» با سرکوب مردم و حفاظت از تخت و تاج شاه و خانواده سلطنتی و تامین منافع آمریکا در منطقه به ارتش اسلامی با تسویه و پاکسازی عناصری که در تحکیم سلطه استبداد شاه و استعمار آمریکا و انگلیس نقش داشتند و همچنین ملت مبارز ایران را قتل و عام کرده بودند، سبب گردید بنیه دفاعی ارتش فاقد نقش و تاثیر بازدارندگی باشد.

نقطه ثقل تلاش امام (ره) برای دستیابی به بازدارندگی، تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی بسیج در ششم آذر سال ۵۸ با هدف سازماندهی نیروهای مردمی برای مقابله با تهدیدات احتمالی آمریکا پس از تصرف لانه جاسوسی آمریکا بود. در واقع، فرمان تشکیل بسیج از سوی امام (ره) در فضای ناشی از تهدیدات آمریکا بود. چنانکه امام (ره) فرمودند: «مملکتی که ۲۰ میلیون جوان دارد، ۲۰ میلیون تفنگدار داشته باشد یک چنین مملکتی آسیب‌پذیر نیست». ^(۲) پس از حادثه طبس امام (ره) فرمودند: «سپاه ۲۰ میلیونی که خود را مجهز نموده‌اند امروز برای فداکاری اسلام مهیا باشند» ^(۳) و «بافر رسیدن شهریور سال ۵۹ و تشدید درگیری در مرز امام (ره) اظهار امیدواری کردند با ارتش ۲۰ میلیونی از توطئه‌ها جلوگیری شود». ^(۴)

حال جای این سوال وجود دارد که با توجه به فضای دشمنانه علیه ایران و شرایط انقلابی حاکم بر این کشور چرا فرمان امام (ره) مبنی بر تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی و دستیابی به بازدارندگی با تکیه بر نیروهای انقلابی حاصل نشد؟ در یک پاسخ اجمالی بنظر می‌رسد منازعات سیاسی در داخل کشور تمرکز تلاشها از سازماندهی نیروهای مردمی برای مقابله با تهدیدات خارجی را به حذف نیروهای غیر انقلابی در داخل کشور معطوف کرده بود. به سخن دیگر، در عین حالیکه صدور انقلاب مورد تاکید قرار داشت و تهدیدات آمریکا و عراق از مدتها قبل آغاز شده بود، توجه اصلی همچنان به صحنه داخلی بود. البته عوامل دیگری

۱- آیت... خامنه‌ای ۶۰/۳/۲۹ - نماز جمعه تهران - خطاب به بنی‌صدر.

۲- امام خمینی - ۵۸/۹/۶ دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران تهران.

۳- امام خمینی ۵۹/۲/۱۲ صحیفه نور. جلد ۱۱- ص ۶۸.

۴- امام خمینی ۵۹/۲/۲۱ صحیفه نور. جلد ۱۳- ص ۸۲.

وجود دارد که به یقین باید در مقاله جداگانه‌ای مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۲- یارگیری سیاسی

مشارکت در یک ائتلاف سیاسی با یارگیری سیاسی مناسب یکی از راه‌حلهائی بود که ایران بر اساس آن می‌توانست به بازدارندگی در برابر عراق دست یابد. یا حداقل اقدام نظامی عراق را با تأخیر مواجه سازد موقعیت ایران در جنوب شوروی (پیشین) و پیشنهادهائی که از سوی مسکو ارائه می‌شد* تنها با اندکی انعطاف و همسوئی، امکان جدیدی را در اختیار ایران قرار میداد ولیکن لازمه این هماهنگی و برخورداری از حمایت و پشتیبانی مسکو، نادیده گرفتن اصل سیاست نه شرقی نه غربی و بی‌توجهی به اشغال افغانستان و تهدید امنیت ملی ایران از این ناحیه بود.

بی‌ثباتی سیاسی در داخل کشور بر پایه تشدید منازعات داخلی نیز سبب شد که شعارها از خصلت تعرضی برخوردار شود بدون اینکه از پشتیبانی و ابزار لازم در داخل کشور برای اجرا برخوردار باشد. به طور طبیعی این وضعیت مانع از بهره‌برداری ایران از فرصتها و رفع دشمنی‌ها بود.

نگرش دشمنانه نظام بین‌الملل نسبت به انقلاب اسلامی امکان گفتگو و یارگیری سیاسی را بطور کلی تضعیف کرده و یا از میان برده بود. مناسبات خصومت‌آمیز ایران و آمریکا نیز این روند را تشدید میکرد. به همین دلیل، نخستین گامهایی که از سوی دولت موقت برای رفع تشنج در قالب ملاقات مهندس بازرگان و ابراهیم یزدی با برژینسکی در الجزایر برداشته شد، بلافاصله منجر به سقوط دولت موقت شد. در این میان امکان گفتگو و برقراری مناسبات با انگلیس و فرانسه به عنوان دو عضو از اعضای شورای امنیت نیز وجود نداشت. صرف‌نظر از کلیه ملاحظات، بنظر میرسد مشخصه شرایط حاکم بر تفکر و ذهنیت

* محی‌الدین مصباحی در مقاله خود مدعی شده است نخست‌وزیر ایران (شهید) محمدعلی رجائی اعلام کرده است سفیر شوروی در ایران پیشنهاد فروش اسلحه به ایران داده است ولی از طرف ایران رد گردید. شوروی در آن زمان این ادعای ایران را تکذیب کرد. (بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع. جلد دوم سال ۶۸ مقاله چارچوب مواضع شوروی. ص

نیروهای انقلابی و نگرش آنها نسبت به مناسبات بین‌المللی، ماهیت دینی و مردمی انقلاب اسلامی، تاکید بر صدور انقلاب و تحلیل پدیده‌ها در چارچوب تئوری توطئه و عواملی از این قبیل، نقش بسزائی داشته است. این عوامل در واقع سبب شده است هیچگونه اقدام قابل ملاحظه‌ای در چارچوب روابط دیپلماتیک برای کاهش خصومتها و رفع بدگمانیها نسبت به اهداف انقلاب اسلامی و سیاست خارجی نظام حاکم بر ایران برداشته نشود. بی‌ثباتی سیاسی در داخل کشور بر پایه تشدید منازعات داخلی نیز سبب شد که شعارها از خصلت تعرضی برخوردار شود بدون اینکه از پشتیبانی و ابزار لازم در داخل کشور برای اجرا برخوردار باشد. به طور طبیعی این وضعیت مانع از بهره‌برداری ایران از فرصت‌ها و رفع دشمنی‌ها بود.

۳- ارائه امتیاز سیاسی

در شرائطی که ایران قادر به «بازدارندگی» بر پایه قدرت نظامی و یا ائتلاف سیاسی نبود، و با در نظر گرفتن واقعیات از جمله تغییر موازنه به سود عراق، آیا ایران می‌توانست با ارائه امتیاز به عراق یا پذیرش لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و صرف نظر کردن از حق حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه (تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی) مانع از وقوع جنگ شود؟ به یقین ارائه هرگونه امتیاز مخالف خط مشی انقلابی ایران بود و در نتیجه منجر به پیدایش نوعی تعارض و گسیختگی در جبهه درونی شده و مشروعیت نظام برآمده از انقلاب را تضعیف میکرد و وحدت انقلابی از میان می‌رفت، در عین حال بنظر می‌رسد که این اقدام گرچه میتواند التهاب جنگ را تا اندازه‌ای کاهش دهد لیکن هیچ تاثیری در جلوگیری از وقوع جنگ نداشت. زیرا پذیرش شرائط عراق بمنزله تجزیه تدریجی خوزستان و تسلط عراق بر این استان بود. پیدایش این وضعیت روند تسلط عراق بر خلیج فارس را تسهیل و فشار عراق به ایران را افزایش می‌داد. تداوم این وضعیت عراق را مصمم و حریص و در برابر آن ایران را تضعیف میکرد و مجموع این شرائط مانع از وقوع جنگ نبود بلکه تنها می‌توانست زمان آنرا با تأخیر روبرو سازد و ایران را در وضعیت درونی بسیار نامطلوبی قرار دهد.

نتیجه‌گیری

بازنگری مجدد زمینه‌ها و علل تجاوز عراق و بررسی راه‌حلهای احتمالی برای جلوگیری از وقوع جنگ نشان دهنده این مفهوم است که جنگ با هدف اعاده نظم پیشین در منطقه و داخل ایران، با برطرف ساختن عوارض و نتایج ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی واقع شده است. بعبارت دیگر جنگ بهای انقلاب بود که پرداخته شد. ملت ایران با دستیابی به هویت جدید، دفاع از انقلاب در برابر کلیه فشارهای داخلی و خارجی را لازمه دستیابی به استقلال و آزادی می‌دانستند در نتیجه پرداخت هزینه حمله به یک انقلاب را بر عراق تحمیل کردند. در عین حال کاستیهای موجود و عدم اقدام جدی برای دستیابی به بازدارندگی در حوزه نظامی و بهره برداری از فرصتها و رفع خصومت و بدگمانیها در حوزه سیاست خارجی، در تسهیل وقوع جنگ بی‌تاثیر نبوده است. ولی این مسئله به معنای اینکه بواسطه اشتباهات جنگ شروع شد، نمی‌باشد.^(۱) زیرا وقوع انقلاب اسلامی متغیر اصلی در شروع جنگ بود و مخالفان انقلاب اسلامی فکر می‌کردند بوسیله جنگ میتوانند نظام حاکم بر ایران را ساقط کنند.^(۲) انقلاب اسلامی با قرار گرفتن در برابر یک آزمون جدید و طبعاً بدون فائق آمدن بر آن نمی‌توانست شرائط و زمینه‌های حیات و بقا خود را تامین نماید. در این مرحله، قدرت انقلاب با حضور نیروهای مردمی در جبهه‌های جنگ ظهور کرد و متجاوز را در نخستین گامها متوقف و ناکام نمود. به یقین تداوم شرائط انقلاب در ایران با تاکید بر استقلال و تامین منافع ملی و انقلابی، این کشور همچنان با مشکلات و دشواریهای زیادی روبرو خواهد بود. هم اکنون گرچه جنگ ایران و عراق به پایان رسیده است ولی عوامل وقوع آن برطرف نشده است. به همین دلیل امکان مداخله نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران همچنان پا برجاست. بنابراین لازم است با توجه به انسجام درونی و ثبات سیاسی و برخورداری از تجربه جنگ هشت ساله و توانمندی نظامی همراه با روابط دیپلماتیک پایدار، آمادگی و شرائط لازم را بر ای «بازدارندگی» «پیشگیری» و مقابله موثر فراهم ساخت.

۱- روزنامه کیهان ۷۶/۵/۶ ص ۹ مصاحبه با دکتر ولایتی وزیر امور خارجه وقت